

میدان بهارستان

تجربه نووارگی در فضای شهری ایرانی

دکتر زهرا اهری (استادیار دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر سید محسن حبیبی (استاد پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران)

اهری، زهرا، ۱۳۳۷-

میدان بهارستان: تجربه نوآوری در فضای شهری ایرانی / زهرا اهری، سیدمحسن حبیبی -
تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۹۴.

۱۵۲ ص: مصور (رنگی)، نقشه (رنگی) - (تهران پژوهی: ۳)

ISBN: 978-964-379-327-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

۱. میدان هنر - ایران - تهران، ۲. بهارستان (تهران)، ۳. تهران - آثار تاریخی، الف. حبیبی، محسن،

۱۳۳۶ - ب. دفتر پژوهشهای فرهنگی، ج. عنوان،

۹۵۵/۱۲۰۴۳

DSR ۲۰۷۹/هـ/۸۹ الف ۹۱۳۹۴

۳۶۳۸۱۵۳

کتابخانه ملی ایران

ISBN: 978-964-379-327-2

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۹-۳۲۷-۲

• میدان بهارستان: تجربه نوآوری در فضای شهری ایرانی

• دکتر زهرا اهری، دکتر سید محسن حبیبی

• ویراستار: میترا طاهری لطفی • ویراستار صورتی: نسرین اسدی

• طرح جلد و صفحه آرا: فریده داورزنی

• شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه • چاپ اول: ۱۳۹۴

همه حقوق محفوظ است. هرگونه تقلید و استفاده از این اثر به هر شکل بدون اجازه کتبی
دفتر پژوهشهای فرهنگی ممنوع است.



دفتر پژوهشهای فرهنگی

دفتر مرکزی: تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، نبش کوچه یگانه، شماره ۲۲۹

کد پستی: ۱۵۸۴۷۳۶۹۱۳

صندوق پستی: ۵۸۷۵-۴۶۹۱

دورنگار: ۸۸۳۰۲۴۸۵

تلفن: ۸۸۳۱۵۲۳۷، ۸۸۸۲۱۳۶۴

پست الکترونیک: lahze1386@gmail.com

فروش الکترونیک: www.lahzeh-ketab.com

مراکز اصلی پخش و فروش:

• فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، نبش کوچه یگانه، شماره ۲۲۹

تلفن: ۸۸۸۱۹۴۶۱، ۹۳۵۲۴۷۹۸۴۷

• پخش مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، نبش خیابان شهید وحید نظری، شماره ۲۵۵

تلفن: ۶۶۴۱۷۵۳۲، ۹۱۲۲۱۷۷۶۴۷

دورنگار: ۶۶۹۵۰۱۴۶

یادداشت

این روزها بحث از هویت شهرها فراوان شنیده می‌شود. شهروندان در هر نقطه‌ای از زمین، در پی کشف و شناخت هویت خود و مکان و زمانی هستند که در آن زندگی می‌کنند. اهل یک شهر یا کشور بودن، یعنی خود را متصل و متعلق به تاریخ و مکان و فضای آن شهر و کشور دانستن و آن را بخشی از خود به شمار آوردن. تلاش هر فرد برای شناخت هویت خود، از سویی نسبت او را با دیگری مشخص می‌کند و از دیگر سو او را وادار به شناختی عمومی از جهان پیرامونش، تاریخش، خاطراتش، مهارت‌ش، احساساتش، ارزش‌ها، مفاهیم، بزرگان و مشاهیر و خصوصیات جمعی محیط زیستش می‌سازد. «هویت» مرتبط با شهر، شهروندان یک شهر را از غیر شهروندان متمایز کرده و حسن مسئولیت «شهروندی» برای «ساکنان» ایجاد و آسانه تمیز میان «ساکن» یک شهر با «شهروند» یک شهر را ترسیم می‌کند.

اما شهرها را در این عصر، بدون مشارکت آگاهانه شهروندان نمی‌توان اداره کرد و اصولاً توسعه در هیچ عرصه‌ای را بدون مشارکت مردم هر شهر نمی‌توان رقم زد. بدیهی است که امر مشارکت مردم تحقق نمی‌پذیرد مگر زمانی که حسن تعلقی عمیق نسبت به مکانی که در آن زندگی می‌کنند، داشته باشند. اما حسن تعلقی نسبت به مکان زندگی، زمانی می‌تواند ایجاد شود که نسبت به شخصیت و هویت آن مکان شناختی کافی نزد شهروندان به وجود آمده باشد. به عبارت دیگر، بدون شناخت کامل ابعاد مختلف یک شهر، نمی‌توان انتظار

و قوع مشارکت آگاهانه و مسئولانه شهروندان را در اداره شهر داشت. شناختی که در ابعاد کالبدی و ذهنی از محیط‌های طبیعی، مصنوع و انسانی هر شهر به دست می‌آید. محیط‌های طبیعی هر شهر، چون کوه‌ها، رودها، تپه‌ها، دشت‌ها، مناظر طبیعی و غیره و محیط‌های مصنوع چون ابنیه، مجموعه‌های شهری، محله‌ها، خیابان‌ها، پیاده‌راه‌ها، میدان‌ها، پل‌ها، بناهای اداری، آموزشی، نظامی و مانند آن و محیط‌های انسانی همراه با تنوع زبانی، دینی، مذهبی، نژادی، قومی، عقاید و آداب و رسوم، پاره فرهنگ‌ها، آیین‌ها، مراسم، رویدادهای ملی و مذهبی و غیره هستند. مجموعه این محیط‌ها، محتوای هویت یک شهر را تعیین و توضیح می‌دهد و تفاوت هویتی میان شهرهای مختلف و نیز شهروندان آنها را رقم می‌زند.

اما کلان‌شهر تهران که در تمامی وجوه خود موضوع مجموعه «تهران‌پژوهی» است، همان‌گونه که در کالبد و بافت، بنا به بنا و محله به محله متفاوت و متنوع شده، در ترکیب جمعیتی و پاره فرهنگ‌های موجود در جامعه نیز متنوع و متکثر شده است.

مجموعه کتاب‌هایی که ذیل عنوان «تهران‌پژوهی» منتشر می‌شود، تهران را با تاریخ دیروز و امروز و از مناظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی مورد مطالعه قرار می‌دهد تا این مجموعه و گستره شناخت، دستمایه‌ای باشد برای آنهایی که به بهبود کیفیت مادی و معنوی زندگی نسل امروز در این شهر می‌اندیشند و نیز برای شهروندانی که در کار ساختن آینده این شهر هستند و دل‌نگران به آن فکر می‌کنند!

دفتر پژوهشهای فرهنگی

فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار
۱۵	آغاز
۲۱	یکم: پیش درآمد
۲۱	ویژگی‌های مکانی
۳۱	ویژگی‌های کالبدی
۳۸	ویژگی‌های کارکردی
۴۷	ویژگی‌های فضایی
۵۴	نتیجه‌گیری
۵۷	دوم: اوج
۵۷	ویژگی‌های مکانی
۶۲	ویژگی‌های کالبدی
۶۷	ویژگی‌های کارکردی
۷۷	ویژگی‌های فضایی
۸۶	نتیجه‌گیری
۸۹	سوم: سکوت
۸۹	ویژگی‌های مکانی

۹۲	ویژگی های کالبدی
۱۰۰	ویژگی های کارکردی
۱۰۳	ویژگی های فضایی
۱۰۴	نتیجه گیری

چهارم: فراز

۱۰۷	ویژگی های مکانی
۱۰۷	ویژگی های کالبدی
۱۰۹	ویژگی های کارکردی
۱۱۲	ویژگی های فضایی
۱۱۸	نتیجه گیری

پنجم: فرود

۱۲۳	ویژگی های مکانی
۱۲۳	ویژگی های کالبدی
۱۲۵	ویژگی های کارکردی
۱۳۰	ویژگی های فضایی
۱۳۴	نتیجه گیری

انجام

۱۴۱	منابع و مأخذ
۱۴۷	منابع تصاویر
۱۵۱	

پیش‌گفتار

شهر بزرگ‌ترین دستاورد آدمی در مسیر عبور به زندگی مدنی است. شهر با تطور تاریخی خود از دیرباز تا دوران جدید، اصلی‌ترین مکان برای ثبت فرهنگ و تمدن بوده است. فرهنگ‌ها دگرگونی یافته‌اند، تمدن‌ها فرو ریخته‌اند، ولی شهر خطرات و مخاطرات تاریخی آنها را در خود تجسد بخشیده و به نسل‌های پی در پی سپرده است. شهر محلی است برای زندگی مدنی آدمی به فراخور مکان و زمان؛ جایی برای تولد و رشد، برای شادی‌ها و غم‌ها، برای رویدادها و واقعه‌ها، رخدادها و حادثه‌ها، برای خاطره‌های بین‌نسلی، برای انباشت حافظه جمعی شهر و شهروندان. هر نسلی در زندگی خود به شیوه یا شیوه‌هایی در شهر و مکان تصرف می‌کند، با دانش فنی زمانه و دانش زیستی تاریخی‌اش به تولید فضاهای خصوصی و عمومی شهری می‌پردازد، نشانه‌های کالبدی و نمادهای ذهنی خود را می‌سازد و بر غنای نمادها و نشانه‌های تاریخی می‌افزاید. شیوه‌های زندگی هر زمانه‌ای و مشارکتش در حیات شهری، خاطره‌ها، افسانه‌ها و اسطوره‌هایش، لایه‌هایی را می‌سازند که بر هم می‌نشینند و بدین ترتیب شهر انباشتی از لایه‌های حیات مدنی نسل‌هایی می‌شود که در آن زیسته‌اند. پس، لایه‌های شهری چونان لایه‌های زمین‌شناختی نیاز به بررسی دقیق دارند و لازم است با وسواس و حوصله کاوش شوند و هرگونه اقدام نسلی و زمانه‌ای نیازمند فهم این لایه‌های انباشته بر هم است. این لایه‌ها، فرهنگ و شیوه زندگی مردمان شهر را ساخته‌اند و نتیجه هر کاوش و اقدامی بدون شناخت دقیق این لایه‌ها، در کوتاه مدت یا بلند مدت، فاجعه بار است.

رولان بارت^۱ می‌گوید که باید یاد بگیریم به جای پیمایش و اندازه‌گیری، شهر را بخوانیم. این سخن به معنای بازخوانی لایه لایه شهر است. می‌توان با مداخله‌ای یکباره کالبد شهر را از هم درید و لایه‌های مملو از خاطره و متن نگاشته شده در آنها را پاک کرد و از یاد برد که حافظه جمعی نه فقط در مکان بلکه، در شیوه زندگی، در هنجارها و رفتارهای مدنی شهروندان، در ذهنیت و فرهنگ شهر نقش بسته است. شهرسازی کاریست یافته در سده اخیر نشانی روشن از عدم درک این واقعیت دارد، همانند کاوش‌هایی که بدون شناخت لایه‌های دوران‌های زمین‌شناختی، زمین را زیرورو می‌کنند.

خوانش شهر، خواندن تاریخ آن است. نگاه مدرنیستی، به گفته فرانسواز شوای^۲، از شهر ابژه می‌سازد، ابژه‌ای فارغ از زمان و مکان، و برای مداخله در آن الگویی پیشنهاد می‌کند. این الگو خواه به گذشته بنگرد و رویکردی فرهنگ‌گرا داشته باشد و خواه به آینده بنگرد و رویکردی ترقی‌گرا؛ زمانه خود، دانش فنی و دانش زیستن تاریخی آدمی در مکان را نادیده می‌گیرد. رویکرد اول شهر را به مثابه ظرفی می‌بیند که باید از آن درس زیبایی‌شناسی و کالبدشناسی گرفت. بنابراین تنها سعی در خواندن چهره شهر و مختصات کالبدی آن دارد. رویکرد دوم، با نفی و انقطاع از گذشته به پاک کردن حافظه تاریخی شهر می‌پردازد و شهر و فضاهای آن را نه برای زمانه کنونی که برای زمان‌های آینده تدارک می‌بیند. در حالی که با توجه به آنچه آمد، خوانش تاریخی شهر و سیر تحول فضاهای مدنی آن سرآغاز هر اقدامی است. فضای شهری مملو از روابط مدنی وابسته به نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هم‌زمان است؛ پس آنچه هستی این فضا را می‌سازد، مظروف آن است، که در ظرفی تاریخی شکل گرفته است.^۳ بنابراین فهم تاریخی شهر است که می‌تواند مبنایی برای اقدام

1. Roland Barthe

2. Françoise Choay

3. Françoise Choay, «L'histoire et la méthode en urbanisme», *Annales. Economies, Sociétés, Civilisations*, 25, 4(1970) : 1149.

در آن را فراهم کند. فهم تاریخی تعریف و شناختی از فضای شهری و شیوه سازماندهی آن به دست می‌دهد که فضا را در کلیتش می‌بیند؛ نه تنها کالبد بلکه محتوای آن را باز می‌شناسد و مدنیت آن را نشان می‌دهد؛ محتوایی که آن را به مکان تبدیل می‌کند، مکانی برای تماس، نمایش، ارتباط، و اتصال.^۱

فهم تاریخی می‌تواند کل شهر و فضاهای آن را در بر بگیرد و یا به یک فضا یا چند فضا بسنده کند، چیزی که از آن با اصطلاح «تاریخ خرد»^۲ یاد می‌کنند. شیوه‌ای از مطالعه تاریخ شهر که در چهل سال گذشته در مغرب زمین رواج زیادی یافته است. شیوه‌ای که به «خوانش از نزدیک»^۳ «شهرسازی معمارانه»^۴ می‌پردازد. این رویکرد، نگارش تاریخ‌های جامع از شهر و فضاهای آن را نفی نمی‌کند بلکه به آن مدد می‌رساند و با استفاده از مطالعات فرهنگی و اجتماعی، زمینه را برای نگارش تاریخ‌های جامع شهری فراهم می‌سازد. در تاریخ‌نگاری به روش «شهرسازی معمارانه» آشنایی با تحلیل بصری و فضایی همراه با آشنایی با رشته تاریخ و نیز مباحث معاصر شهرسازی (اعم از برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری) الهام بخش نگارش به شیوه‌ای متفاوت است. نانسی استیبر^۵ می‌نویسد: «تفاوت اصلی بین مورخ معمار و سایر کسانی که محیط انسان‌ساخت را بررسی می‌کنند، در این است که مورخ معماری شهری میل به روشن کردن چگونگی ایجاد شکل‌های شهری و معماری دارد و ابعاد بصری و مادی را از نظر شیوه‌های تعاملشان با سایر نظام‌های معنا و گفتمان اجتماعی بررسی می‌کند. این کار با پرداختن به مقوله‌هایی چون هویت شهری، نمایش روابط اجتماعی، خاطره‌های جمعی، و تجربه زندگی روزمره و در پرتو دانش‌های پایه‌ای معماری مثل گونه‌شناسی بنا و سبک انجام

1. Ibid: 1151.

2. Microhistory

3. Close reading

4. Architectural urbanism

۵. Nancy Stüber. مورخ معماری و شهرسازی و سردبیر مجله انجمن مورخان معمار (۲۰۰۲-۲۰۰۶).

می شود.^۱ به این ترتیب سعی می شود که کیفیت های کالبدی و فضایی هر دوره در ارتباط با مشخصات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن دوران روشن شده و تحولات آن نیز آشکار گردد.

تهران به مثابه شهر، حدود پانصد سال قدمت دارد و کمی بیش از دویست سال است که عنوان پایتختی گرفته است. گرچه در همین دوران نه چندان طولانی - در مقایسه با پیشینه بسیار کهن برخی شهرهای دیگر - بر اثر عوامل جنئی، پیوسته تحول یافته است. اولین عامل: توسعه شهری مداوم در دوره قاجار و رشد بسیار سریع از نیمه دوره پهلوی است که با تحولات جمعیتی و تغییرات پیوسته پُر نشیب و فراز اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر از دوره ناصرالدین شاه به بعد همراه بوده است. عامل دوم: فرهنگ مواجهه با ذخیره ساختمان های شهری است که تغییر و تبدیل بناها و نوکردن آن از مشخصه هایش است؛ خصوصیتی که ردپای آن را حتی در برخورد با کاخ ها و عمارت های اعیانی دوره قاجاریه، مانند: کاخ گلستان و کاخ نیاوران نیز می توان دید. این عوامل سبب شده است که درک منسجمی از محلات کهن شهر تهران (که خود در طول همین دوره بهار دگرگون شده اند) وجود نداشته باشد.^۲ اگرچه این عوامل نبود سنت حفظ اسناد مکتوب هم اضافه شود، نداشتن

1. Nancy Stieber, «Microhistory of the Modern City: Urban Space, Its Use and Representation», *Journal of Society of Architectural Historian*, 58, 3 (Sep. 1999): 382-391.

۲. مثلاً اگر محله سنگنج اوایل دوره قاجاریه را با اواخر دوره قاجاریه و مثلاً دوره پهلوی مقایسه کنیم، سه تصویر متفاوت به دست می آید. در حالی که در دوره اول، سطح بزرگی از محله را باغات (و مزارع!) می پوشانند و از وضعیت استقرار خانه ها در سطح باغات نیز اطلاع روشنی وجود ندارد؛ در اواخر دوره قاجاریه، محله به بافت فشرده ای تبدیل شده و باغات به صورت باغچه های کوچکی درون خانه ها درآمده اند. در نیمه دوره پهلوی، بخشی از بافت قدیمی محله تغییر شکل یافته و واحدهای مسکونی دو سه طبقه با نمای مشرف به کوچه در آن ظاهر شده است که ریخت شناسی متفاوتی را پدیدار ساخته اند، که خود حکایت از تحولات پُر نشیب و فراز اجتماعی و اقتصادی دارد. بخش دیگری از محله به پارک تبدیل شد، که قبل از مستند ساختن مختصات کالبدی آن از بین رفت. خود این تصویر نشان از عدم شناخت کامل کیفیت فضایی - کالبدی محله دارد.

تصویر روشنی از مختصات معماری شهری گذشته تهران بیشتر نمود می‌یابد؛ به ویژه اگر توجه کنیم که تغییر خصوصیات ریخت‌شناسانه و گونه‌شناسانه عناصر و فرم شهری در تهران در چند دهه اخیر شتاب گرفته است.

بنابراین، نه تنها تاریخ معماری شهری کل شهر نوشته نشده، بلکه تاریخ‌های خرد بسیاری از عناصر و فضاها شهری نیز نانوشته باقی مانده است. بسیاری از محلات و فضاها بدون اینکه مستند شده باشند از بین رفته و لایه‌های زندگی مدنی گذشته تهران پاک شده‌اند. مثلاً در محله‌هایی چون امیرآباد (کارگر)، گیشا (کوی نصر)، یوسف آباد و مانند آنها آرام آرام محله‌های ساخته‌شده در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی، با نحوه خاص شکل‌گیری واحدهای مسکونی که بیانگر فرهنگ خرد سکونت بخشی از ساکنان تهران بود، از بین رفته و اثری از آن نیز در جایی ضبط نشده است. در حالی که دیدیم تدوین چارچوبی برای مداخله در وضع موجود، نیاز به فهم گذشته دارد. با چنین رویکردی است که تحولات یکی از مهم‌ترین فضاهای شهری تهران از آغاز تا دوره معاصر بررسی شده است.

میدان بهارستان، فضایی مدنی است که سیر تحول آن از پیدایش به عنوان جلوخانی در برابر کاخ سلطنتی برون شهری تا میدان آمدو شد سواره‌دوران پهلوی بررسی شده است. این میدان اگر اولین فضای عمومی و مدنی در مفهوم مدرن آن نباشد، بی‌تردید یکی از مهم‌ترین فضاهای عمومی شهری ایران در سده اخیر (تا قبل از انقلاب اسلامی) بوده است. بررسی چگونگی پیدایش این میدان شهری، مکان تجربه نووارگی در سیاق فرهنگ ایرانی و نسبت آن با مکان و کالبدی که در آن فرصت بروز و ظهور یافته، مهمترین دغدغه بررسی حاضر بوده است.

این بررسی در ابتدا در چارچوب طرحی پژوهشی در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران آغاز شد. طرحی که دانشجویان رشته شهرسازی در جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های آن صمیمانه همکاری کردند: خانم‌ها ژاله

جلیلی، راحله حسینی، فریبا طوفانی، و حنا مرعشی و آقای علی توپچی ثانی سهمی به سزا و قابل تقدیر در جمع آوری، مستندسازی و بررسی‌های اولیه داشتند.

بررسی و تحلیل فضا و عناصر معماری پیرامون میدان با توجه به روش تاریخ‌نگاری معماری شهری، اهمیت اسناد تصویری را برای چنین تحقیقاتی آشکار می‌سازد. در نبود بانک داده‌های بصری که به راحتی قابل دسترس باشد، سخاوت و بلندنظری آقای داریوش تهامی که بی‌هیچ چشمداشتی آرشیو عکس‌های بی‌نظیر پدرشان را برای استفاده در اختیار این پژوهش قرار دادند، دو صلا چندان نمایان می‌شود و تقدیر و تشکر از ایشان حداقل کاری است که می‌توان انجام داد. عکس‌های گرفته شده از میدان بهارستان در سال‌های آغاز قرن حاضر خورشیدی در تحلیل وضعیت معماری شهری این فضای مدنی بسیار راهگشا بودند.

در پایان، ابراز تقدیر و تشکر از دفتر پژوهشهای فرهنگی که سال‌هاست تهران‌پژوهی را دنبال می‌کند و خانم‌ها سروناز تاراج، میترا طاهری لطفی، و فریده داورزنی در بخش انتشارات این مؤسسه که در همه مراحل انتشار، ویراستاری، و صفحه‌آرایی کتاب، یاری کردند، کم‌ترین کلامی است که می‌توان گفت.